پرانتز

محيطزيست؛ لزوم استقلال فعالان از دولت

درواقع ماهیتا نقش فعالان واقعی

محيط; يست، نقش داوري ت. مديران و ماموران

ت به سازمان حفاظت

محنط; بسا

آن سازمان می با یہ



بيان شـد، فعـالان محيطً بین در اناتعیین کننده . سیاست گذاریهای سازمان مفاظت محيطزيس و داور عملکرد آن سازمان هُسُـَند. تنهَـا وابســتَگی مالــی به آن سـازمان کافی اســت که ایــن نّـ بسه هسم ريختسه و نتيجتا تخریبهای زیستمحیطی را تشدید کند. چشمپوشی ز نقاط ضعــف دولتيان در حفاظت از محیط زیست و توجیه عملکرد آنان چیزی است که- در نتیجه

چنین وابســتگیهایی- از بعضى از بــه ظاهر فعالان محيطزيس می شود. بدون نجات از وابستگی به سازمان های متولیی حفاظـت از محیطزیسـت، فعالیـت زیست،حیطی داوطلبانه بی معناو درواقع بسیار پرخطر و مضر به حال محیطز یست است.

پر اور اور اور اور اور اور اور اور اور تاریخ چندی پیسش بسرای نخستین بار در تاریخ تلاش های زیست محیطی کشورمان، گروهی بزرگ از فعالان محیطزیست-متشکل از بیش از از ۱۹۰ سازمان مردمنهاد بهعلاوه شمار زیادی از فعالان مستقل و استادان تراز اول کشور -ی و کاملا توانســـتند در قالب ســـتادی مرد ستقل گردهم جمع شده و در برابر یک مخرب محيط; يســـت– كه متاســفانه از طر ف ســازمان حفاظت محيطزيســت گرفته شده به مخالفت و مقاومــت بپردازند. این تصمیم مخرب ســازمان مُذكــور، وَاگــُذارى مديريت مناطق حفاظت شده كشــور به سرمايه گذاران بزرگ در قالب طرحهای گردُشگرُی است که بزر ک در قاب طریهای دردستری است که بی سک اجرای چنین تصمیمی به نابودی آن مناطق منتهی می شود. صرف نظر از آنگیزدهای جناحی این تصمیم-که در فرصتی دیگر بدان خواهـم پرداخت-قـرار دادن مدیریت مناطق حفاظت شده کشور در دستان کسانی که جز به منافع مالی خود نمی اندیشند، مایه سرشکستگی و شرمساری ملت در برابر تاریخ و آیندگان خواهد بود. بدین سبب بود که «ستاد مردمی نجات آشوراده» شکل گرفت تا به تاریخ و آیندگان این ملت نشان دهد که بودند کسانی -از فرزندان این ملت – که در برابر حرص و طمع زراندوزانی که خود را پشت نقاب محیطزیست زیراندوزانی که خود را پشت نقاب محیطزیست پنهان کردهاند، ایستادند و در مقابل زحمات خود هیچ دستمزدی طلب نکردند و این امر محقق نشد مگر با قطع هر گونه وابستگی مالی به سازمان حفاظت محیط زیست. این تلاش شـجاعانه و پرشـور تاكنون مانع دستاندازي حريصان و نوکيســه گان به تنهــا جزيره ايراني دریای خزر (جزیره آشوراده) شده است. قرآن مجید می فرماید: «چهبسا گروهی اندک که به خواست خدا بر گروهی بسیار پیروز شدهاند و خداياشكيتانان است.



بخش دوازدهم مطلب فرازوفرود جامعه ايرانى در نگاه جامعه شناسانه به ادبيات ايران مدرن استثنا اين هفته پنجشنبه منتشر مى شود.

نوضيح

آرش خيرانديش 121

بندان ودلسوزان داوطلم کسیانی هسیتند که از سے، آگاهی نسبت به ه تلاش برای حفاظت از سلامتی محیط گرفته و در این برای معتصار شارعی معیقه ترکیه ورا بی مهم معصم و جدی هستند در بعضی موارد به این افراد فعال محیطزیست می گویند که فعالیتی دارند. فعالان محیطزیست ممکن است انفرادی فعالیت کرده یا این که در قالب ســازمانهای مردم،یهاد به فعالیــت بپردازند. فعالیت داوطلبانه محیطزیستی، ماهیتی آزاد و مستقل از قالبهای تحمیلی اداری دارد تا تفکر و تصمیم زیست محیطی منطبق باواقعیت بوده و از تخیـلات دولتی فارغ باشـد. این که فعالان

۔ سی محیطزیں کسانی هستند موضوعی اساسی است که بررسی آن مجالی دیگــر میطلبد اما بهطور اجمال میبایست گفت که ترکیبی از دانش بومی و دانش جدید حفاظت ت (ميد فينظر محيطزيس ان سارهان هی پیست نظارت دقیق و موثر فعالان محیط زیست بر عملکرد خود را احساس کرده و خود را به آنان پاسخگو بدانند ر در پیدریست (مرکز محمر محمر) از عناوین و مدار ک ظاهری) له همــراه بينــش صحيح . و اصيــل بهعــلاوه فعاليه د داوطلبانه مداوم و مبتكرانه می بایست در چنین افرادی جمع شود. اصولا بروز معضلات ; سبتمحيط

ناشی از فرهنگ عمومی و به تبع آن تصميمات دولتي بموده و دولتها يكي از مقصران اصلی تخریب محیطزیست هستند. یکی از اصلی ترین وظایف فعالان محیطزیست، - یک می محیط زیست به ویژه به جوامع آموزش عمومی محیط زیست به ویژه به جوامع شــهری بزرگ و نیز مامــوران دولتی اســـت از أنجا كه أنان مجموعا باعث عمده مشـكلات محیطی در جهان هسستند. دراینباره تفاوتی بین سازمان،های دولتی وجود نداشته و نفاونی بین سرمان می وحسی رج حتی سازمان های متولی محیط زیست (زجمله سازمان حفاظت محیط زیست) نیز مشمول این حکم هستند. باید گفت که طی حدود نیم قرن از تشکیل سازمان حفاظت محیطزیس تخريب هاي زيست محيطي كاهش نيافته بلكه روزبه روز ابعاد جدیدی از تصمیمات غلط دولتی در این راستا آشکار میشود. این امر نشان دهنده ر سی رسید. این است که سازمان مذکور می پایست تحت نظارت جدی و دقیق فعالان محیط زیست قرار می گوفت تا ساختار فکری غلط، کند و ضعیف ن سلامت فکر، پویایی و شتاب مناسبی گرفته و از اعوجــاج موجــود دور میمانــد. مهم ترین مشکل آن سازمان از ابتدا تاکنون، بیاعتقادی به نقش محوری جوامع محلی مولد در مدیریت زیستگاههای کشــور اسـت. بیان این موارد به معنای بینیازی از تشکیلات حاکمیتی در امر حفاظت محیطزیست نیست. درواقع ماهیتا نقش فعالان واقعی محیطزیست نسبت به سازمان حفاظت محیطزیست، نقش داوری است. مدیران و ماموران آن سازمان می بایسً نظارت دقیــق و موثر فعالان محیط زیسـت رے ہے وجو محر میں میر میں میں میں ایسی (بعد کار عملکرد خود را احساس کردہو خود را به آنان پاسخگو بدائند. بدین ترتیب می توان به وضوح دریافت که وابسی تگی فعالان محیطزیست به سازمان های دولتی و ازجمله سازمان حفاظت محیطزیست، آنان را از وظیف ذاتی خود دور کرده واز محتواتهی می سازد. متاسفانه در سازمان های دولتی متولی حفاظت محیطزیست، تمایل زیادی به وابستهسازی فعالان این حوزه وجود دارد کــه در مواردی در

سى موفق بودە یکی از مهمترین انواع وابستگی های موجود



را از این حوزه بر داشـــتهاند و فعالیتشــان کاهش پیدا کردہ است. پس افراد نیازمند این ہستند ته که در این حوزه خودشان بیشتر حامی خودشان باشــند. به همین دلیـل افراد به ســمت مبادله و مذاکره در حوزه عشق و احساس میروند و برای هم شرایط تعیین میکنند. این بدان معناست که فراد در حال حمایت و دفاع از خود هستند.

دربساره دیگربودگسی او میپردازیسم و ممکسن

ـت دیگر بود گــی او را دیگــر مطلــوب نب باومن معتقد بود، افزایش دامنے قضاوت کردن دربارہ دیگری در یک رابطہ بہ معنای افزایش

خودخواهی ما در یک رابطه است که اندک اندک

منجر به ناراحتی طرف دیگر رابطه و خارجشــدن افراداز رابطه میشود.

برخی از ویژگیهای درونی عشیق کیه می توانند

ر, ی ر زیر یی ...ی دروی سسی ب میوانند زمینه ساز ناپایداری آن شیوند را به سا توضیح می دهد. به باور بدیوا عشق یعنی صحنه نمایش دوا. یعنی درواقع رابطه عاشقانه، رابطهای است

دور یسی دروغ رب که ما باید یاد بگیریم از زمان شــکل گیری آن جهــان را دیگر از دو منظــر متفــاوت و از نگاه دو

فر ببینیم نه فقـط خودمان. بنابرایـن در رابطه ناشـقانه، مهم ترین ویژگی توجه به دیگری است

که زین پس جزیی از وجود شماست. بدین معنا

در عشــق دشــمنی بزرگتر از خودخواهی وجود نــدارد. همان گونه کــه در آغاز عشــق، دیگری را

عاشــقانه دوســت داریم و به او احترام می گذاریم و جهان را از منظر نگاه او نگاه می کنیم، برای ادامه

رآيند عشق ورابطه هم اين رفتارها را بايد حفظ

اریک فــروم در کتاب «هنر عشــق ورزیدن» این

ايده را مطرح مي كند كه ما معمولا أغاز عشق را با

. فرآیند عشق اشــتباه می گیریم. آغاز عشق همواره

قرایند عنقی استباه می دیریم، اغاز عنقی همواره گرم و پرشور و نشناط است. ما فکر می کنیم این ویژگی در قرآیند عمق هم حفظ می شود و می توان می مهیچ کوشتیی رابطه عاسقانه را بر حرارت نگه داشت. به اعتقاد فسروم در صورتی که بخواهیم فرآیند عشق را گرم و پرشسور نگه داریم، نیازمند

آموختن عشق ورزیدن هستیم. باید هم در خوزه نظر و هم در حوزه عمل عشق را بیاموزیم و مثل هر

هنرورز دیگر به عشق و آموختنش بهعنوان غایت و هدف زندگیمان نسگاه کنیم. بنا بسه آنچه گفتم ما باید یک فرآیند عشق گرم را در اطول رابطه:

بسازیم و آن را خلق کنیم. هدف عُشق نزدیک ُشدن دو انسان در عین حفظ تفاوتهای آنهاست؛ دو

انسانى كه قطعا متفاوت هستند و مثل هم نخواهند

نگه دارد؟ از نگاه اریک فروم شــما باید به عنوان یک

عاشق (کسی که زندگی را به دیگری نثار می کند) زندگی خـود را به گونه ای تصویر کنیـد که از خود

یک معشوق بسازید. شــما باید با دادن شور زندگی به دیگری، او را عاشــق خود کنید و بالعکس. حال

ان که بیشتر ما انستان ها بیش از آن که بخواهیم

دوست بداریم و عاشق باشــیم، میخواهیم دوست داشته شـویم و معشـوق باشــیم. به همین دلیل

همواره پرسـش ما در دنیای امروزی این است که

نديدنى و محبوب اس په لسې پستيدې و معبوب در می آوريم. ما به جای دانما به شــکل آن محبوب در می آوريم. ما به جای آن که در حوزه روابط عاشــقانه کنشــگر باشــيم، تبديل به موجودات کنش پذيری می شويم که يک

انگیزه دیگری به نام موجود محبوب اجتماعی ما را هدایت میکند.

كسى پسـ

پس چه چیزی می تواند آنهٔ ارا کنار یکدیگر

نُ بدیواز دیگر متفکرانی است که به خوبی

م می آنچیه تاکنون ذکر شد، مربوط به تأثیرات جامعه بر عشق یا همان شرایط بیرونی بر عشق بود که ناپایداری آن را توضیع میدادند. به هر حال، چنان که پیش از این گفته شد، عشق از برخی ویژگیهای درونی نیز برخوردار است که میتوانند ناپایداری و سیالیت آن را تشدید نمایند. می توانند ناپیداری و سیانیت آن را تشدید نمایند. در اینجا نظریه باومن به خوبی می تواند برخی از ویژگیهای درونی عشیق که موجب ناپایداری آن می گردند را بر ما آشیکار سازد. به اعتقاد باومن، مهم ترین ویژگی عشق رمانتیک، رازگونگی و مبهم بودگی آن است. مبهم بودن معشوق باعث میشود عشق در آغاز از جذابیت و قدرت بالایی ی را باشــد امــا در ادامه طرفیـــن را بله نیاز دارند تا به شــناخت از یکدیگــر بپردازند و به هم ر. دسترسی داشته باشند.

بسر سی دست بست. به باور باومن، عریان شدن شخصیت طرفین برای یکدیگر به معنای آن است که طرفین از ، مرحل ، دلدادگی و عشق وارد مرحله شیناخت و قضاوت می شوند. به عبارت دیگر، اگر تا این مُرحلهُ معشـوق خود را در منطق درونی خُودش میشــناختیم و دوست داشــتیم، از این مرحله به ـتيم، از اين مرحله ب بعد بر مبنای شـخصیت و دانش خـود به قضاوت

باید دانست که رابطه میان جامعه با دنیای روابط عاشقانه انسانی رابطه ای

• به اعتقاد گیدنز، نگاه کلینیکی به عشـق و شـیوع آن، ریشـه در اجن تغییرات اجتماعی شــکل گرفته در جوامع مدرن دارد. ایـن صرفا به این دلیل نیست که انسان ها به لحاظ احساسی تبدیل به انسان های بخردهای شدهاند نیستُ که انسان ها به لحاظ اُحساسی تبدیل به انسان های یخ زدهای شدهاند یا این که افراد نگاه شسان به عشیق نگاه کالایی شده است؛ بلکه به این دلیل است که در حوزه احساسات و هشتق حمایتهای اجتماعی بسیای افراد در گذشته وجود داشت اما ایس نهادهای حمایتسی الان حمایت خــود را از این حوزه برداشته اندو فعالیت شــان کاهش پیدا کرده است. پس افراد نیاز مند این

م غمرانین اور یک عسوی درمانیست. در از دولانی می میهیزود کی ان است. میمهیزودن عشرق باعث می شود متعشر در آغاز از جذابیت و قدرت بالایی بر دوازند و به هم دسترسی داشته باشد، به باور باومن، جریان شدن شخصیت طرفین برای یکدیگر به معانی آن است که طرفین از مرحله دادادگی و عشیت

داشت اما این نهادهای حمایتی الان حمایت خود

ب باینداست. ۱۰ تاحدودی) است به عبارت دیگر، جامعه بادیای روابط عاصلهانه است این مساله تغییر در وابط عاشقانه انسانی را تبیین نماید، روابط عاشقانه انسانی از یک منطق درونی نیز بر خوردار است که آن را مســـتقل از جامعه بعنوان بستر وقوع و شرا بطه تحقق پیرولی آنیی سازد.

ی و مبهمبودگی آن اســت.

نهادهای اجتماعی و مدنی برخوردار نیستند به این نتیجه رسیدهاند که باید روابط عاشقانه خود را تبدیل به اروابط مذاکرهای؛ نمایند و با نشستن بر سے میز مذاکرہ یا افراد متعدد، فر د حامی مناسب . که «من خودٌ را بيَّابند. از اين رُو، افراد بــا اين ايد باید تشـخیص بدهم این فرد در زندگی می تواند ... حامی من باشــد یا خیــر؟۱ وارد روابـط متعددی میشــوند تا شــخص حامی مورد نظر خود را پیدا کنند. طبعا با خارج شــدن از هر مذاکره فرد خود را با این پرسـش روبه رو می بیند که چرا مذاکرات ما کوتاه بود یا چرا مذاکرات ما شکست خورد. این ساله باعث میشود افراد دائما با «پرسش رابطه» درگیر باشــند.گیدنز، البته، به این مســاله نگاهی مثبت دارد و معتقد است این که عشق مبادله ای و مذاکرهای شده است، امری منفی نیست. ــه بـاور او، مبادله ای و مذاکر ه ای شـدن عشـق می توانــد بالابرنده ســطح دموکراســی در جهان باشــد. به اعتقاد گیدنز، نگاه کلینیکی به عشـق و . شیوع آن، ریشــه در اجتماع و تغییرات اجتماعی شکل گرفته در جوامع مدرن دارد. این صرفا به این دلیل نیست که انسان ها به لحاظ احساسی تبدیل به آنســان های یخزدهای شــدهاند یــا این که افراد نگاهشان به عشــق نگاه کالایی شــده است؛ بلکه به این دلیل است که در حوزه احساسات و عشق حمایت های اجتماعی برای افراد در گذشته وجود

همچون گذشته از حمایتهای خانوادگی و حتی

ادامه از صفحه ۹| به عبارت دقیقتر، در اینجا

منطق خريد و فروش كه مختص بازار و كالاست بر روابط انساني نيز حاكم مي شود. ايلوز معتقد است تا چنين پديدهاي به وقوع نييوندد اصولا

مصرف در معنای مــورد نظر نظام سـرُمایهداری ممکــن نمیشــود. پــس مصــرف کالا در معنای

دقيق أن زماني مُمكن مى شود كه انسان ها عميقاً مصرف كننــده شــوند و بتوانند اميـال و أرزوها و

علایق عاشقانه خود را نیز خرید و فروش نمایند. دومین عامل اجتماعی تاثیرگذار بسر روابط عاشیقانه را باید در نظریه گیدنز یافت. گیدنز

در کتــاب از چیه شناســی صمیمیـــــ» یکـی از مهم ترین تحــولات در حیات اجتماعی انســان را تحــول از خانواده گســتر ده به خانواده هســتهای

مىدانىد اين اتفاق دو پيامىد به همراه داشىتە

فرد تشــکیلدهنده خانواده هستهای جدید دیگر

هُمچون خانوادههای پیشین در میدان مغناطیس

حمايت خانواده گست. ده جاي ندارند و خود بايد

مسیال خود را حل نمایند. در چنیس حالتی، با بروز هر مشکل میان زوجین، افراد به مذاکره با هم

می پردازند و می توانند خیلی آسان رأی به جدایی

ییامد دوم به تغییر در برداشت از روابط جنس

بازمی گــردد. بــه بــاور گیدنــز، در خانوادههای هســـتهای جدید رابطه جنســی دیگــر صرفا ابزار

و مكانیست. این رابطه فی نفسه دارای ارزش است و قلمرویی مستقل از

بنابراین به جـای آنکه خودشـان را در خدمت باببراین به جنای انده خونستان را در خدمت خانواده قرار دهند .. خانواده را جایی برای رشد استعدادهای خـود در نظـر می گیرند کـه اگر زندگی خانواده جایی برای آن نگذارد، از آن خارج می شـوند. به اعتقاد بـک، امروزه زنان احسـاس

ی می نند به شکل فردی هم می وانند به زندگی خـود ادامـه داده و روابـط کوتاهمدت و عشـق رمانتیک را تجربـه کنند. گیدنز معتقـد بود این

روسید را در از رادیکال ترین راهها برای روبه رو موضوع یکی از رادیکال ترین راهها برای روبه رو شدن با مردانگی نظام سـرمایه داری از طرف زنان است، زیرا اگر به برای آنها خطراتی دارد اما باعث

میشود زُنان ویژگیهای عاطفی و زنانه خود را به

ظام سرمايهداري تحميل كنند. چهارمين عامل

باز به مسأله از بین رفتن حمایت های سنتی والدین از فرزندان بازمی گردد. امــروزه، جوانانی که دیگر

بدهند.

تولیدمثل به نام «اروتیســم» را بنیــان مینهد که در آن دامنــه تخیــل و لذت نهفتــه در یک رابطه عاشقانه میتواند حیات یا مرگ آن را تعیین کند. روابط احساسی که از تخیل و اذن را نقیهی عند روابط احساسی که از تخیل و اذنا تهی می موند به آسسانی رو به سوی فروپاشی و بابان می نهند. سومین عاصل اجتماعی تاثیر گذار بس روابط عاشقانه را باید در تحلیل الریش بک از این موضوع جستوجو كرد كه به افزایش دامنه فعالیتهای . اجتماعــَى و اقتصــادى زنان بازمى گــردد. به باور الريش بک، زنان از زمانى که پول در آوردند و وارد دنیای فرهنگ شــدند، تازه زن بودگی خود را پیدا کرده و صاحب استقلال فکری و شغلی شدند.

تند که در این حوزه خودشان بیشتر حامی خودشان باشند

 مهم ترین ویژگی عشق رمانتیک، راز گونگ وارد مرحله شناخت و قضاوت می شوند.